ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ـ۸۸۵۰۱۳۰۰ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ـ۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۰- شماره ۶۷۵۶

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

WWW.INN.IR

info@inn.ir

دیگر رسانه‌ها

داستان فراموش شده سری A

وقتی اسکودتو «فقط» سهم میلان و یووه بود

اگر اوایل دهه ۹۰، بدون اطلاع از روند دشمنی تیم‌ها به تماشای جذاب‌ترین لیگ آن زمان دنیا یعنی سری A می‌نشستید، احتمالاً فکر می‌کردید نبرد یوونتوس و میلان، بزرگ‌ترین رقابت و دشمنی در فوتبال سرزمین چکمه‌ای است!

از سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ و به طور دقیق از شروع فصل ۱۹۹۲-۱۹۹۱ بزرگ‌ترین دوئل قهرمانی در تاریخ معاصر سری A شروع شد؛ وقتی میلان افسانه‌ای ساکی و در ادامه کابلو یک فصل کامل بدون باخت قهرمان لیگ شد و تا هفته بیست و چهارم فصل بعد هم روند بدون باخت خودش را پی گرفت. سرانجام پارما با فاستینو آسپریای کلمبیایی همانطور که در هفته ماقبل پایانی فصل ۱۹۹۱-۱۹۹۰ میلان را شکست داد، در هفته بیست و چهارم فصل ۱۹۹۳-۱۹۹۲ هم روسونری را برد و پس از ۵۸ بازی، قدرت اول آن زمان فوتبال دنیا را با شکست آشنا کرد. رکورد ۵۸ بازی بدون باخت میلان هنوز هم رکوردی در زمینه تعداد بازی‌های متوالی بدون باخت در لیگ‌های داخلی معتبر اروپاست.

شروع اقتدار یوونتوس

میلان در پایان فصل ۱۹۹۳-۱۹۹۲ هم قهرمان شد و یک فصل بعد توأمان لیگ داخلی و لیگ قهرمانان را فتح کرد. سال بعد سروکله یک رقیب بزرگ پیدا شد و یوونتوس پس از یک دهه ناکامی با مارچلو لیپی و یک ترکیب بی‌نظیر پس از ۳ قهرمانی متوالی، میلان را به زیر کشید. روسونری در روزهای پایانی اقتدارش، فصل ۱۹۹۶-۱۹۹۵ با اختلاف کمی نسبت به پارما جشن قهرمانی در لیگ داخلی را برپا کرد. یوونتوس اما اروپا را قبضه کرد و برای دومین بار فاتح معتبرترین جام باشگاهی دنیا شد. نبرد ۲ تیم در بازی فصل ۱۹۹۷-۱۹۹۶ نمونه‌ای تاریخی از جنگ یووه و میلان شد و تاریخ جدیدی در این دشمنی به وجود آورد.

۶ گل در کیسه میلان

میلان در فصل ۱۹۹۷-۱۹۹۶ حتی در حد و اندازه‌های این روسونری چند فصل اخیر هم نبود و با اسکار تابارز بدترین نمایش‌های ممکن را داشت. تیم حتی رده یازدهم را هم به چشم دید و در یک بازی تاریخی در خانه مقابل یوونتوس خرد شد. درخشش نیکولا آمورسو همراه همسرخواهرش، السانرو دل پیرو نقش مهمی در برتری ۶- یک یووه در خانه میلان داشت. زیدان هم در اولین فصل حضور در تورین یکی از گل‌ها را به ثمر رساند و تنها گل مارکو سیمونه دردی از دردهای میلان دوا نکرد. در نهایت یوونتوس با رقم زدن بدترین شکست خانگی تاریخ میلان، پرونده روسونری نرویایی دهه ۹۰ را بست اما قرمز و مشکی‌ها بعد از تماشای قهرمانی یوونتوس در ۲ فصل ۱۹۹۷-۱۹۹۶ و ۱۹۹۸-۱۹۹۷، روند بهتری یافتند. یک فصل بعد از درخشش ستاره جوانی به نام پیپو اینزاگی در جریان بازی منجر به قهرمانی یووه در فصل ۱۹۹۸-۱۹۹۷، میلان با یکی از متوسط‌ترین تیم‌هایش به کمک تفکرات آلبرتو زاکرونی و به لطف شوت دیدنی آلبرتینی در هفته آخر قهرمان سری A نام گرفت؛ آنچه حاصل برتری در یک نبرد فرسایشی و جلو زدن از لاتزیو در هفته‌های پایانی بود. با پایان قرن، توالی قهرمانی‌های یووه و میلان از بین رفت و ۲ سال متوالی تیم‌های پایتخت ایتالیا، اسکودتو را به سینه زدند.

شروع دوباره

این، پایان کار نبود و یوونتوس در دوئل ۳ تیمه قهرمانی در هفته آخر به لطف برتری لاتزیو مقابل اینتر صدرنشین و پیروزی خودش در زمین اودینزه، اسکودتوی از دست رفته در هفته پایانی فصل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ را در هفته آخر فصل ۲۰۰۲-۲۰۰۱ به دست آورد. لاتزیو در فصل ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به لطف شکست یووه در زمین بارانی پروجا، جام را از رقیب ربود و ۲ فصل بعد با شکست دادن اینتر، جبران کرد و با سد کردن راه نرآتزوری، اجازه قهرمانی را به یوونتوس داد. یووه یک فصل بعد هم به راحتی قهرمان شد. میلان هم اروپا را فتح کرد و در فصل ۲۰۰۴-۲۰۰۳ نوبت به قهرمانی این تیم در سری A رسید. روسونری با تنها یک باخت مقابل اودینزه آن هم در خانه، به لطف گل زود هنگام شوچنکو در هفته سی و ششم مقابل رم، قهرمانی زود هنگامش را قطعی کرد و در ۲ بازی تشریفاتی بعد از قهرمانی به رجینا باخت و فصل را با ۲ شکست به پایان رساند. یوونتوس فصل بعد دوباره قهرمان شد و وقتی در پایان فصل ۲۰۰۶-۲۰۰۵ بار دیگر اسکودتو را به سینه زد، هیچ کس تصوری از اتفاقات بعدی نداشت. با افشای مکالمات تلفنی مدیر یوونتوس و چند باشگاه دیگر، تبانی آنها با داوران برای رقم زدن نتیجه دلخواه ثابت شد. یوونتوس برای اولین بار در تاریخش به سری B سقوط کرد و قهرمانی فصل ۲۰۰۶-۲۰۰۵ را به اینتر داد. قهرمانی فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ هم از این تیم گرفته شد اما به تیم دیگری نرسید. میلان هر چند به دسته پایین‌تر فرستاده نشد اما از این اتفاق ضربه خورد و با وجود قهرمانی در لیگ قهرمانان آن هم یک فصل پس از رسوایی موسوم به «کالچوپولی»، ضرر مالی و از دست دادن ستارگانش را به چشم دید. بدون شک اقتدار ۲ تیم در سال ۲۰۰۳ رقم خورد؛ وقتی میلان با برتری مقابل اینتر و یوونتوس با خاتمه دادن به افسانه رئال مادرید، اولین فینال تمام ایتالیایی لیگ قهرمانان را برگزار کردند که در پایان ۱۲۰ دقیقه واقعاً کسل کننده در ورزشگاه اولدترافورد، میلان با پنالتی آخر شوچنکو، برتری ۲-۳ در ضربات پنالتی و قهرمان ششم در اروپا را جشن گرفت.

روزهای تلخ فعلی

یوونتوس پس از یک فصل به سری A برگشت اما از قدرت سابق خبری نبود و تنها وفاداری امثال دل پیرو و بوفون هواداران را دلگرم کرد. میلان هم تنها یک کار بزرگ انجام داد و به لطف تفکرات آلگری بازهم مقابل رم، قهرمانی زود هنگام در سری A در فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۰ را تجربه کرد. جدایی ستارگانی مانند نستا، اینزاگی و سیدورف و به دنبال آن جدایی آلگری، میلان را دچار بحران عجیبی کرد. دست نیاز برلوسکونی، مالکی که روزی با پول‌هایش میلان را به قدرت اول فوتبال دنیا تبدیل کرده بود به سوی پوتین و سایر سیاسی‌ها دراز شد اما وقتی کمکی دریافت نکرد، باشگاه را فروخت. میلان از آن روزروی نیمکت مربیگری به یک دانشگاه برای کسب تجربه مربیان جوان و ناموفقی مانند بروکی، اینزاگی، سیدورف، لئوناردو و میهایلوویچ تبدیل شد. یووه اما کم کم رشد کرد و یک سال بعد از قهرمانی آخر میلان، کار روسونری در سال ۱۹۹۲ را تکرار کرد؛ قهرمانی بدون باخت در لیگ. این روند قهرمانی زود هنگام ۵ فصل با کونته و ۳ فصل با آلگری و یک فصل با ساری ادامه یافت اما میلان نه تنها رقیبی برای قهرمانی نبود بلکه حتی سهمیه لیگ قهرمانان هم نمی‌گرفت. این فصل وقتی میلان ۱۸ هفته در صدر بود و یووه یکی از تعقیب کنندگانش نام داشت، تصور تکرار آن دوئل‌های تاریخی به وجود آمد اما هر ۲ تیم تحت تأثیر قدرت اینتر افت کردند و حالا وقتی یکشنبه شب رویاروی هم قرار می‌گیرند در هیبت تیم‌های سوم و چهارم جدول تنها به حضور در فصل آینده لیگ قهرمانان می‌اندیشند، نه جامی که روزی فقط به آنها تعلق داشت!

(این مطلب در سایت فوتبال ۳۶۰ منتشر شده)

عکس روز

پیروزی درخشان توخل

چلسی در فاصله سه هفته دوبار تیم سیتی را شکست داد. پپ گواردیولا تا به حال به یاد ندارد در یک ماه دوبار مغلوب یک مربی شده باشد. قهرمانی سیتی با این نتیجه به تأخیر افتاد اما قطعاً تنش‌ها قبل از فینال لیگ قهرمانان در سه هفته آتی را افزایش داد. گواردیولا در بازی شنبه سعی کرد دستش را رو نکند و ترکیب متفاوتی را به زمین بفرستد و قطعاً جنگ اصلی در استانبول برگزار خواهد شد. این صحنه درخشان فرو ریختن دروازه سیتی در روز شنبه آیا باز هم در ترکیه تکرار می‌شود؟

کاریکاتور

تساوی شنبه شب بارسلونا و اتلتیکو مادرید همه چیز را به نفع رئال مادرید کرد. جنگ تن به تن این دو تیم فرصت داد تا رئال مادرید در آسودگی خاطر شب گذشته به مصاف سویا برود. با این همه قهرمان لالیگا همچنان مشخص نیست و باید منتظر بازی‌های روز پایانی باشیم.

طنزیم

هومن جعفری

دعوت به مراسم گردن زنی

خبر آمده که لاپورتا بعد از تساوی تیمش مقابل اتلتیکو، جلسه‌ای را با سه کاپیتان تیمش برگزار کرده و سرمربی تیم را برای حضور در این جلسه دعوت نکرده. این یکی از کلاسیک‌ترین روش‌های برکناری سرمربی است. از بدو پیدایش فوتبال در جهان، هر وقت مدیر می‌خواسته سرمربی را کله کند و دنبال تأیید کاپیتان‌ها بوده، جلسه‌ای را بدون حضور سرمربی با آنها برگزار کرده. در نود درصد موارد این جلسات منجر به برکناری شده! ببینیم نسخه کومان را در بارسا پیچیدند یا نه! کسی سکانس معروف بیرون کردن برایان کلاف از رختکن لیدز یونایتد به درخواست کاپیتان‌های تیم را در فیلم یونایتد نفرین شده یادش هست؟

***

یک نکته بامزه‌ای که باید به آن اشاره شود، تساوی سایپا با ماشین سازی تبریز است! این همه از فراز کمالوند بت ساختند که اعجوبه‌ای است و فلان! بعد بازی حساس مقابل ماشین سازی ته جدولی مساوی کرد! خب مرد مؤمن! اگر قرار بود زورت به ماشین سازی هم نرسد که می‌ماندی استقلال نان و ماستت را می‌خوردی!

***

نکات بامزه ما هنوز تمام نشده! مدیرعامل استقلال از یک خبرنگار شکایت کرد! دلیلش این بود که خبرنگار چند روز قبل از او سؤال کرد: دانشگر سر تمرین رفته؟ مدیرعامل بی‌خبر هم اعلام کرد: خیر!

نتیجه؟ آقای مدیرعامل بعد از اینکه در افکار عمومی حسابی زیر سؤال رفت که شما چطوری خبر نداشتی که بازیکن تیمت بخشیده شده، از خبرنگار شکایت کرد!

باورتان می‌شود؟! مددی جان خیلی خوبی!

تک به تک

سامان موحدی راد

از جیب دولت به جیب دولت

تلاش عبث برای نجات فوتبال

هفته گذشته هفته پر خبری برای فدراسیون فوتبال ایران بود. اخباری که یکی پس از دیگری مثل خوشه‌های یک بمب خوشه‌ای گوشه‌ای از فدراسیون را بمباران کرد و مدیران این فدراسیون را زیر آوارهای سنگین مدفون کرد. کار به جایی رسید که مسئولان فدراسیون دست به دامن رئیس دستگاه قضا شدند تا به آنها برای بیرون آمدن از این فاجعه کمک کند. شهاب‌الدین عزیزی خادم هنوز مهر حکم ریاستش در فدراسیون خشک نشده که باید به دنبال تأمین منابع برای آزادسازی ساختمان فدراسیون از دست شستا، پرداخت بدهی سنگین دستیاران ویلموتس و مخارج آماده‌سازی تیم ملی برای بازی‌های بحرین باشد. چالش‌های بزرگی که همه و همه از مدیریت قبلی به او رسیده است. چاله بزرگی به اسم قرارداد ویلموتس که نهایتاً معلوم نشد چه کسی بابت آن بازخواست شد، چه کسی جریمه شد و پول‌ها از چه منبعی پرداخت شد. هر چه که بود فدراسیون فوتبال ایران به خاک سیاه نشست و تیم ملی در ناآماده‌ترین شرایط ممکن باید پا در راه رقابت‌هایی حساس بگذارد که آن هم دستپخت همین ویلموتس و قراردادش است. اینکه چرا این اتفاق رخ داد، سؤالی است که سال‌هاست مسئولان فدراسیون فوتبال ایران، مدیران ورزشی و سیاستگذاران کلی عرصه فوتبال و ورزش کشور از آن طفره رفته‌اند. خاکروبه‌هایی که زیر فرش شده بودند تا دیده نشوند حالا اینقدر زیاد شده‌اند که به هیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده گرفت. سال‌هاست که فوتبال در ایران دولتی مدیریت می‌شود. برخلاف رویه جهانی که نهاد فوتبال باید نهادی مستقل از دولت‌ها باشد، در ایران در همه سال‌ها و دهه‌های اخیر، در همه دولت‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا به صورت دولتی اداره شده. حتی فشارهای فیفا در مقاطعی که منجر به تعلیق فعالیت‌های فدراسیون فوتبال ایران شده بود هم نتوانست ایرانی‌های کله‌شق را به راه بیاورد و بارها و بارها با دور زدن فیفا سعی شد به همان راه ادامه داده شود. درواقع توصیف اینکه جریان مالی فوتبال در ایران چگونه است، بسیار دشوار است. صداوسیما از دولت بودجه می‌گیرد و بخشی از این بودجه را که بسیار کمتر از قیمت واقعی است به عنوان حق پخش به فوتبال تزریق می‌کند. درواقع پولی از جیب دولت به جیب دولت. همین جریان اشتباه مالی در کنار انحصارطلبی نهادهایی مثل صداوسیما موجب شده تا محل درآمد فوتبال در ایران کور شود. تلاش برای نجات فدراسیون فوتبال عبث است. آنها در گرداب اشتباهات، ساختار نادرست و غیرشفاف خودشان گیر کرده‌اند.

رشته توئیت

سام ستارزاده

بی‌خانمانی پس از ترکمنچای بلژیک

سئول، ساختمان بی‌دفاع

سه هفته دیگر، دومین سالگرد عقد قرارداد سرمربیگری مارک ویلموتس با تیم ملی فرا می‌رسد اما پس‌لرزه‌های این قرارداد همچنان آتش بر فوتبال ایران می‌دواند. بی‌خانمان شدن فدراسیون فوتبال ایران با واگذاری سند ساختمان سئول به شرکت شستا که حاصل استقراض برای تنها یک قسط دست‌مزد چهره سکاندار سابق تیم ملی بود، تنها گواه این نیست که چنین قراردادی را می‌توان بدون هیچ اغراقی «ترکمنچای بلژیک» نامید بلکه یک شرمساری بزرگ است برای تمام افرادی که در چند سال اخیر حتی یک روز در این ساختمان صاحب صندلی بوده‌اند.

معتبرترین نهاد فوتبالی کشور در هیچ بازه زمانی مانند امروز نسبت به یک بدهی ساده ۲ میلیون یورویی آسیب‌پذیر نبوده. این در حالی است که عربستان که رقیب مستقیم ما در لیگ قهرمانان آسیای فصل جاری است، با پیشنهادات اغوا کننده به ستارگانی نظیر سرخیو آگوئرو و میرالم پیانیچ، هم در تلاش برای گشودن پای آنان به لیگ پادشاهی سعودی است و هم نام خود را در جهان فوتبال بر سر زبان‌ها انداخته. هنگامی که از این زاویه به عمق فاجعه‌ای که گریبان فوتبال کشور ما را گرفته نگاه بیندازیم، متوجه می‌شویم که کلیدواژه‌هایی نظیر «ویلموتس»، «یورو»، «نیروی خارجی» و نظیر این‌ها، تنها مسأله این روزهای فدراسیون را ساده‌تر از واقعیت خود جلوه می‌دهند و چشم ما را بر ریشه این فجایع می‌بندند. هر مدیری در چنین شرایطی می‌تواند انتقال سند ساختمان فدراسیون به شستا را محصول سوءمدیریت‌های صاحب‌منصبان پیشین بخواند اما کسی به خلأ ایده برای درآمدزایی در چنین فدراسیونی اشاره نمی‌کند. درآمدزایی ۱۰ میلیون یورویی،

گزارش یک پرونده

میعاد نیک

سکوت مشکوک از دستگاه قضا

مخاطب «باید»ها!

انگار تا مدت‌ها مدیدی قرار نیست که بختک شوم بدهی و سایه نحس قرارداد ننگین فدراسیون فوتبال با مارک ویلموتس از آسمان فوتبال ایران رخت بربندد. در این ویرانه شهری که از حملات موشکی تیم مدیریتی سابق فدراسیون فوتبال در انتهای خیابان دوازده متری سوم بلوار شیخ بهایی باقی مانده، هنوز جنگ پایان نیافته و هنوز خبری از بانگ آتش‌بس نیست؛ البته جنگ که نه، دفاع همه‌جانبه زیر باران سیل آسای بدهی‌ها برای پنهان ماندن اندک وجهه آلوده نشده فوتبال. در حالی که تنها چند ماه به سالگرد یک سالگی صدور حکم دادگاه عالی ورزش در پرونده شکایت مارک ویلموتس از فدراسیون فوتبال باقی مانده، این بار نوبت به شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) رسیده تا موشک بالستیک دیگری روانه حوالی خیابان سئول کند.

از قرار معلوم احتمالاً مسأله شستا آخرین مشکل فدراسیون فوتبال در پرونده ننگین مارک ویلموتس نخواهد بود. قراردادی که با همت رئیس پیشین فدراسیون فوتبال و مشاوران اقتصادی بدنامش به توافق رسید، مشخص بود که حتماً بحران‌های حقوقی زیادی را وارد راهروهای فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش و جوانان خواهد کرد. قاعدتاً اگر زمان ورود کارلوس کی‌روش به فوتبال ایران هم مهدی تاج در کاراکتر همه‌کاره فدراسیون فوتبال به ایفای نقش می‌پرداخت و با توجه به شناختی که از سرمربی پرتغالی داریم، فوتبال کشور می‌بایست با حوادثی سنگین و جبران‌ناپذیر دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

چاهی که تیم مدیریتی مهدی تاج و هیأت رئیسه‌اش برای فوتبال ایران حفر کردند، تمامی ندارد. هر چه در این گودی ظلمات بیشتر فرو می‌رویم و تن رنجور فوتبال کشورمان از زخم عقرب‌های جراره و مارهای غاشیه عفونت برمی‌دارد، مصائب و بدبختی‌مان هم اوج می‌گیرد. فدراسیون فوتبال و مجموعه وزارت ورزش و جوانان به‌رغم گذشت حدود ۱۰ ماه از زمان تعیین محکومیت چندین میلیون یورویی توسط دادگاه CAS، هنوز با بحران بیش از ۲۰۰ میلیارد تومانی بدهی به مارک ویلموتس و دستیارانش کنار نیامده‌اند اما ناگاهان خبر از محکومیت چندباره فدراسیون فوتبال توسط شستا و توقیف ساختمان‌های متعلق به این فدراسیون به گوش می‌رسد تا این درخت نحیف با ضربات پی‌درپی تبرهای پولادین، راهی جز شکستن و خُرد شدن نداشته باشد.

قطعاً این مشکلات و دشواری‌ها مصداق میراث شومی است که از رئیس سابق و تیم منفعل پیشین بر ذمه فوتبال کشورمان باقی مانده اما تیم مدیریتی جدید هم با علم به این مصائب وارد گود شده‌اند و اکنون هیچ بهانه‌ای از سوی شهاب‌الدین عزیزی خادم پذیرفته نیست. رئیس فدراسیون فوتبال که این روزها به‌دلیل انتصاب‌هایش شدیداً تحت انتقاد اهالی رسانه و منتقدین قرار گرفته، بهتر است در کنار فراهم کردن شرایط مناسب برای تیم ملی فوتبال در راه رسیدن به جام جهانی، مشکلات حقوقی فدراسیون را نیز جلو ببرد تا او را هم یکی مانند مهدی تاج (و حتی بدتر) تصور نکنیم.

در نهایت هم باید از دستگاه قضایی و قوه قضاییه کشور گله‌مند بود؛ چرا که علی‌رغم آتش روزهای ابتدایی محکومیت فوتبال ایران دیگر خبری از پیگیری قضایی مسأله نیست و انگار همه چیز در بایکوت خاصی فرو رفته. دستگاه قضایی کشورمان اکنون مخاطب بایدهایی است که از سمت نگاه مطالبه‌گر و پرسشگر جامعه فوتبال ایران روانه حوالی خیابان پاستور می‌شود. مهدی تاج آنقدر محکومیت در همین موضوع مارک ویلموتس دارد که می‌توان به‌سرعت مستوجب محکومیت او شد، بهتر است مسئولین هم تسامح نکنند تا اوضاع فوتبال از همین هم بحرانی‌تر نشود.

چاهی که تیم مدیریتی مهدی تاج و هیأت رئیسه‌اش برای فوتبال ایران حفر کردند، تمامی ندارد. هر چه در این گودی ظلمات بیشتر فرو می‌رویم و تن رنجور فوتبال کشورمان از زخم عقرب‌های جراره و مارهای غاشیه عفونت برمی‌دارد، مصائب و بدبختی‌مان هم اوج می‌گیرد

پنالتی

مازیار گیلکان

زنگ خطر را می‌شنوید؟

بدهی فدراسیون فوتبال به شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) که منجر به از دست رفتن ساختمان فدراسیون شد و باقیمانده بدهی فدراسیون به مارک ویلموتس، سرمربی سابق تیم ملی ایران، که بعید است در رأی دادگاه عالی ورزش منافع فدراسیون را تأمین کند، یک معنا برای فوتبال ایران دارد؛ ورشکستگی.

فدراسیونی که در پرداخت قسط اول ویلموتس وامانده بود، چگونه پای قراردادی را امضا کرد که نمی‌توانست مقابل آن به تعهدات مالی‌اش عمل کند؟ به این پرسش مهدی تاج و همکارانش باید پاسخ دهند اما بعید است هرگز پاسخی در این باره بشنویم.

فدراسیون آینده دشواری را پیش رو دارد. حجم بدهی‌ها می‌تواند برای فدراسیون در آینده نزدیک دشواری‌ها را بیشتر کند و تاوان آن قرارداد بد و غلط با ویلموتس روی دوش این فدراسیون است.

توجه کنیم که کرونا درآمدهای فوتبال را در یک سال اخیر کاهش داده و شاید به زودی هم جبران نشود. فدراسیون فوتبال امیدهای پررنگی برای حل مشکلات اقتصادی خود ندارد اما چون هنوز حکم قطعی پرونده ویلموتس در دادگاه عالی ورزش صادر نشده، همه می‌توانند خود را به ندیدن و نشنیدن بزنند.

جبران خسارت‌های گذشته دشوار است و به همین دلیل فدراسیون جدید مسئولیت دارد که با خطاهای دیگر، فوتبال را به دردسرهای بزرگ‌تر نیندازد.

صعود به جام جهانی قطر از این منظر برای فوتبال ایران و فدراسیون فوتبال کلیدی است چون شاید فقط درآمدهای حضور در جام جهانی بتواند منجر به نجات فدراسیون فوتبال شود اگرچه به رغم صعود نیز جبران بحران‌های خودساخته گذشته، آسان نخواهد بود.

اگر پرسش این است که فدراسیون از زیر بار این بدهی‌ها کمر راست می‌کند یا خیر، باید منتظر تصمیمات فدراسیون و ایده‌هایش برای خلق درآمد باشیم، همان چیزی که فدراسیون به شدت به آن نیاز دارد.

شاید خیلی زود بحران‌های مالی برای فدراسیون بیشتر شود. این زنگ خطر است اگرچه در فوتبال ایران عادت به شنیدن زنگ‌های خطر نداریم.

حجم بدهی‌ها می‌تواند برای فدراسیون در آینده نزدیک دشواری‌ها را بیشتر کند و تاوان آن قرارداد بد و غلط با ویلموتس روی دوش این فدراسیون است